

بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس

حسین قره‌چانلو^۱

مرتضی رضایی^۲

چکیده

فتح سرزمین‌های افریقای شمالی، از رخداد‌های مهم تاریخی در نخستین قرن اسلامی به شمار می‌آید و نیز فتح بخشی از این ناحیه اروپا که مسلمانان آن را اندلس نامیدند، بر اهمیت آن می‌افزاید. فتح اندلس، به پی‌ریزی تمدنی آمیخته از عناصر اروپایی، افریقایی و آسیایی و ایجاد یک هویت جدید طی حدود هشتصد سال تبدیل گردید و بدین طریق فرهنگ اسلامی، به کشورهای اروپایی راه یافت و پایدار ماند؛ اما هیچ‌گاه روند فتح اولیه اندلس و نقش موسی بن نصیر در این فتح، جداگانه بررسی نشده است. این مقاله، چگونگی عملکرد او با تأکید بر وجوه سیاسی و نظامی را به عنوان پرسش اصلی برگزیده است. (سؤال) فتح اندلس بر اثر درایت موسی بن نصیر، حمایت خلافت اموی، پشتیبانی مردم افریقای شمالی و مساعدت برخی از مردم و حاکمان سرزمین‌های اروپایی، اتفاق افتاد. (فرضیه) مقاله حاضر، عرضه تصویر واقعی‌تر از فتح اندلس را دنبال می‌کند که بر انگیزه گسترش اسلام و دست‌رسی به منافع مادی مبتنی است. (هدف) بررسی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر داده‌های معتبر تاریخی می‌تواند راهی برای دست‌رسی به پاسخ سؤال باشد. (روش) دوری از مرکز خلافت اموی، مانع تأثیرپذیری از اختلافات درونی و جنگ قدرت داخلی بر فتوحات اولیه موسی در اندلس گردید. (یافته)

واژگان کلیدی

موسی بن نصیر، طارق بن زیاد، فتح اندلس، افریقا و امویان.

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) -Ghrachanlo@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تربیت مدرس -morteza5043@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۵ تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۵

مقدمه

موسی بن نصیر یکی از مقتدرترین و باهوش‌ترین مردان مسلمان جنگ و سیاست در قرن اول هجری است. قدرت اراده وی در اکثر منصب‌هایی که داشته، نیک هویداست. هم‌چنین مهارت و دوراندیشی وی در فرماندهی حمله‌های دریایی و خشکی به طور کامل روشن است. او در آن منطقه که حکومت اسلامی با ملتی سرسخت و جامعه‌ای سراسر آشوب روبه‌رو گردید، توانست در فرونشاندن آتش فتنه‌ها و منظم کردن امور آن سامان، در عین شدت، دوراندیشی و سیاستی درست، انجام وظیفه کند. وی به روحیات ملل افریقیه آگاهی کامل داشت؛ از این جهت، توانست در سیاست و رهبری، به کارهای بزرگی دست یابد. وی هم‌چنین مردی عالم و ادیب به شمار می‌آمد و در حدیث و فقه، جزو افراد نامی و از علم نجوم باخبر و صاحب نثر و نظمی شیوا بود. هم‌چنین وی نخستین کسی است که اسلام با نیروی او، از نواحی غربی به اروپا راه یافت و اولین حکومت اسلامی در آن‌جا تشکیل گردید؛ با این‌که فتوحات اسلامی در ناحیه «بِلاطُ الشهداء» متوقف شد، اسلام توانست به مدت هشت قرن در اسپانیا (اندلس)^۲ استقرار یابد.

۱. بلاط‌الشهداء نام جنگ پواتیه است که در رمضان سال ۱۱۴ هجری میان شارل مارتل حاکم سپاهیان مسیحی فرانک‌ها و عبدالرحمان غافقی، حاکم مسلمانان اسپانیا به وجود آمد. شکست مسلمانان در این جنگ، با مانع پیشرفت آن‌ها در فرانسه و اروپا گردید.

۲. تاریخ‌نگاران و جغرافیانویسان، کلمه اندلس را به شبه‌جزیره ایبریا اطلاق می‌کنند که شامل اسپانیا و پرتغال است. در روایات عربی، اندلس به اسپانیای مسلمانان اطلاق می‌شود، یعنی سرزمین‌هایی که پس از فتح، به دست مسلمانان افتاد، غیر از جلیقیه و ولایات جبال پیرنه. در اعصار متأخر و در جغرافیاهای جدید، اندلس به اسپانیای جنوبی میان نهر وادی‌الکبیر و دریا، و میان ولایت مرسیه و اشبیلیه اطلاق می‌شود. بعضی گویند آن‌جا را به نام اولین ساکنان آن در اعصار کهن نامیده‌اند که قومی از عجمان بودند و اندلوش نام داشتند. (مقری، ۱۴۰۵، ج ۱: ۶۷) جغرافی‌دانان مسلمان آن سرزمین را از جنوب به مدیترانه، از شمال و مغرب به اقیانوس اطلس و از شرق به کوهسار پیرنه محدود دانسته‌اند. (قاضی ساعد، ۱۳۷۶: ۲۳۵)

معرفی موسی بن نصیر

وی از قبیله بکر بن وائل بود که پیش از ظهور اسلام در غرب شط فرات می‌زیستند. قبیله وی در حمله به سرزمین‌های فارس نقش بسزایی داشتند. این قبیله در زمان خلافت ابوبکر، در قالب جهاد قرار گرفتند و در این میان، خاندان موسی بن نصیر فعال‌تر از دیگران بودند. تولد موسی با آغاز فتوحات مسلمانان مصادف شد. او در کودکی با عشق و شور فراوان، قصه پیروزی‌های خالد بن ولید را از زبان پدرش می‌شنید و به خاطر می‌سپرد. (ابن عذاری، ۱۴۰۰ ج، ۱: ۲۹) بدین سبب، بیش‌ترین معلومات جنگی را از پدر آموخت و درصدد برآمد تا از تجربیات خالد استفاده کند. در این زمان، از آموختن دروس علمی (احادیث نبوی و تفاسیر قرآن) که در مدینه دایر بود، غافل نشد و این دانش، بیش‌ترین تأثیر را در فرهنگ و تربیت او داشت؛ زیرا احادیث نبوی را به صورت باب درآورده و بابتی را نیز برای جهاد گشوده بودند. به علاوه افرادی نیز افتخار هم‌صحبتی با رسول خدا ﷺ را داشتند و از ایشان با مردم صحبت می‌کردند که کم‌کم تابعین^۱ نیز از این حلقات شکل گرفت. موسی بن نصیر نیز جزو تابعین گشت و از بزرگان صحابه، نقل حدیث می‌کرد. (سالم، ۱۹۸۸: ۲۷)

در این زمان، موسی کم‌تر از سی سال داشت. او دید که معاویه بزرگان جنگ را گرد هم آورد و لشکر شام را برای جنگ با امام علی علیه السلام روانه صفین کرد؛ اما موسی جنگ با آن حضرت را خوش نداشت و از شرکت در جنگ و جمع‌آوری نفرات علیه ایشان سرباز زد و از معاویه پیروی نکرد. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳: ۲۱۵) کم‌کم جنگ بنی‌امیه با امام علی علیه السلام تمام شد و معاویه در رأس حکومت قرار گرفت و خلیفه مسلمانان لقب گرفت. او در آن زمان، احساس نیاز بیش‌تری به اطرافیان خود برای محافظت از خلافت می‌کرد، لذا نصیر را به ریاست نگهبانان برگزید و موسی در این بین، با اسلوب و روش‌های نظامی آشنا گشت. (احمد العدوی، بی‌تا: ۱۹)

۱. افرادی که خود پیامبر صلی الله علیه و آله را ندیدند اما با یک واسطه از آن حضرت حدیث نقل می‌کردند.

موسی پس از معاویه و تا روی کار آمدن مروان، در دستگاه اموی حضور نداشت. در دوره عبدالعزیز بن مروان دست او را در اداره امور باز گذاشتند. وی به این نتیجه رسید که مصر، مهم‌ترین پایگاه در فتوحات عربی در شمال آفریقا است زیرا افراد زیادی از جنگجویان عرب در مصر حضور داشته‌اند. این مسأله، موجب شد تا او با این طبقه از افراد خبره و کارشناس مسائل آفریقا به بحث و گفت‌گو بنشیند تا بتواند بهترین و راحت‌ترین راه پیروزی بر ممالک دیگر شمال آفریقا را به دست بیاورد. همین نشست‌ها باعث شد تا پژوهش‌های جدیدی در مورد تاریخ جنگ‌های عربی به شمال آفریقا را آغاز سازد و نقشه‌های یورش‌های قبلی را با دقت بازخوانی کند و پیامدهای آن‌ها را نیز به دست آورد. موسی بن نصیر در این میان، به دو سیاست برخورد کرد که در شمال آفریقا با هم درگیر بودند:

۱. سیاست اعراب که می‌خواستند شمال آفریقا را به ظاهر از یوغ رومی‌ها نجات دهند اما به یوغ خود درآوردند.
 ۲. سیاست رومیان که می‌کوشیدند تا سلطه خود را در شمال آفریقا حفظ نمایند و در برابر حملات عربی - اسلامی مقاومت کنند.
فرایند فتح اندلس
- موسی بن نصیر در سال ۸۵ هجری، فرماندهی کل نیروها را در منطقه آفریقا به عهده گرفت و با تقسیم منطقه به این پنج استان، به اداره آن‌جا پرداخت:
۱. برقه که زیر نظر مصر بود؛
 ۲. آفریقه که از طرابلس غرب تا منطقه زاب در بستر رود شلف امتداد داشت (تونس امروزی)؛
 ۳. آفریقای شمال مرکزی که از بستر رود شلف تا بستر رود مولویه امتداد داشت و تلمسان مرکز آن بود؛
 ۴. مراکش که از غرب آفریقه تا سواحل اقیانوس اطلس و از طرفی از جنوب تا دره ام-ربیع را شامل می‌شد و مرکز آن طنجه بود؛
 ۵. استان سوس که از رود ام‌ربیع در جنوب تا صحرا امتداد داشت و مرکز آن سجلماسه بود. (آیتی، ۱۳۶۳: ۱۷)

بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس ▶ ۵۵

او در آغاز کار، سیاست خود را برای لشکریان بازگو و نقشه‌های جنگی را طبق منطقه جغرافیایی ترسیم کرد تا مانند رهبران سابق به شکست نینجامد. بنابراین، ابتدا امنیت منطقه خود را تأمین کرد تا پای رومیان به آن جا باز نشود؛ زیرا رومیان این منطقه را تقسیم‌بندی کرده، نام افریقا را بر آن نهاده بودند (یعقوبی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۵) که از مرزهای مصر تا ساحل اقیانوس اطلس را شامل می‌شد. رومیان بر این تقسیمات، نام‌های متعدد گذاشته بودند از جمله انطابلس^۱ که به معنای شهرهای پنج‌گانه و یا طربلیطه^۲ که به معنای شهرهای سه‌گانه است و در نزد عرب به طرابلس شهرت دارد. هم‌چنین منطقه ازبیه^۳ را پایگاه خود قرار داد که حکم مدیریت بر شهرهای دیگر را داشت و مقرر فرماندهی رومیان بود؛ زیرا سرزمین‌های تونس امروزی، طرابلس، الجزایر و قسطنطنیه را شامل می‌شد. در واقع افریقیه حلقه‌ای بود که همه آن‌ها را در بر داشت و استقرار پایگاه در آن‌جا، به منزله استقرار پیروزی در تمام شمال افریقا به شمار می‌رفت. (احمد العدوی بی تا: ۶۴)

این منطقه که پیش‌تر، حسام بن نعمان آن را از وجود رومیان و شر بربرها رهانیده بود، در زمان ورود موسی بن نصیر، به دلیل ورود کاهنان و رومیان ناامن شده بود؛ بنابراین، او سازمان‌دهی جدیدی به نیروها و کارگزاران خود داد تا به مردم افریقا بفهماند که تصمیم جدی بر اداره امور دارد و می‌خواهد آرامش را به مناطق کشور بازگرداند. او برای این کار، ابتدا فعالیت‌های جنگی خود را بین فرماندهای تحت امر خودش تقسیم کرد و به آن‌ها آموخت که بر دشمن چگونه حمله برند و ترس در دل دشمن بیندازد و سپس شجاعت و اطمینان را در دل لشکریان خود ایجاد ساخت و پی‌درپی به آن‌ها سرکشی می‌کرد و از آن‌ها دل‌جویی می‌نمود و روح معنویت را در آن‌ها افزایش می‌داد، هم‌چنین برای تسریع در انجام شدن کارها، از فرزندان خود و فرزندان عقبه بن نافع نیز استفاده کرد. او در آن زمان فرزندش عبدالرحمان را به یکی از نواحی قیروان فرستاد تا یاغیان آن منطقه را به اطاعت وا دارد. هم‌چنین فرزند دیگرش مروان را به یکی دیگر از مناطق افریقا اعزام کرد تا

۱. به فتح حرف اول، و به طاء مهمله، و باء معجمه و سین مهمله.

۲. طربلیطه (طر به معنای سه، بلیطه به معنای شهر)، و ایاس که همان تریبولیس و اوبات است.

3. Ezizqia.

موالیان^۱ آن منطقه را به بدترین وضع شکنجه کنند که این دو کار خود را به خوبی به اتمام رساندند. موسی در همان وقت نیز مشتاق بود از قبایلی مراقبت کند که حيله‌ها و دسيسه‌های رومیان در آن‌ها تأثیر فراوان گذاشته بود. این سیاست سرکشی به تمام قبایل، به سامان یافتن امنیت و نظم در افریقا انجامید و آن‌جا به عنوان یک پایگاه آرام در منطقه درآمد. (احمدالعدوی بی‌تا: ۶۷)

وی فعالیت‌های جنگی خود را به شهرهای مغرب میانه و دور گسترش داد تا مناطق الجزایر، مراکش، تلمسان و تازا را زیر سیطره خود درآورد؛ بنابراین، حملات جنگی خود را به طرف مغرب میانه پی‌ریزی کرد. البته قبل از آن، عیاش بن اخیل را به میان آن قبایل فرستاد تا آن‌ها را به بیعت با موسی دعوت کند و چون عیاش تعلیم‌دیده موسی بود، رفتار کریمانه او باعث شد اهل آن قبایل، حامی موسی شوند و بعد از این‌که موسی به آن‌جا رسید، از آن‌ها پیمان گرفت تا به تعهدات خود پای‌بند باشند. همین مسأله، نقش اساسی در ترویج فرهنگ اسلامی ایفا کرد و موجب شد بسیاری از مردم آن منطقه به اسلام گرایش یابند. (ابراهیم حسن، ۱۹۶۴، ج ۲: ۱۴۵) بر این اساس، با حمله به مغرب، ابتدا به منطقه طنجه رفت و مردم آن‌جا بدون مقاومت، تسلیم گردیدند و به فرماندهی جدید و عهد جدید، پای‌بند شدند.

موسی اهتمام ویژه‌ای به منطقه طنجه داشت و بدین سبب، طارق بن زیاد را والی آن‌جا قرار داد؛ زیرا افراد آن منطقه، به شخصی چون طارق نیاز داشتند تا دل‌های آن‌ها را به هم مرتبط سازد و زندگی آنان را با عهد جدید اسلامی سازگار کند. بدین‌سان موسی به درخواست مردم به دلیل اقدامات مثبتش، حدود ۱۷۰۰ نفر سپاهی را در کنار طارق گذاشت. علاوه بر این، تعدادی از فقهای عرب را برای نظم پایه‌های اسلام و اصول شریعت به آن‌جا فرستاد که به سرعت آثار مثبت آن هویدا شد به گونه‌ای که بعد از مدت کوتاهی، تعداد سپاهیان اسلام در آن منطقه به دوازده هزار نفر رسید و بیش‌تر مناطق با کم‌ترین هزینه فتح شدند. در این میان، تنها شهر سبته فتح نشد آن هم به جهت نزدیکی

۱. موالی به عجم‌ها، یعنی غیر عرب‌هایی گفته می‌شود که با ورود به حوزه اسلامی و پیمان بستن با قبایل عرب، در شمار قبیله آن‌ها در می‌آمدند. (زیدان، ۱۳۳۳، ج ۱: ۲۲۷)

بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس ▶ ۵۷

به طنجه، به لشکرکشی نیاز نداشت و دورادور می‌توانستند اوضاع آن‌جا را کنترل کنند و فعالیت‌های آن را نیز زیر نظر بگیرند. علاوه بر این، ابقاء رومیان در آن منطقه، باعث می‌شد تا مسلمانان بتوانند به راحتی با همسایگان اروپایی خود که در نزدیکی سبته و در بحرالزقاق می‌زیستند، مماشات کنند و سیاست‌های کاری و جنگی را از آنان یاد بگیرند. (ابن فرضی، ۱۹۵۴، ج ۲: ۱۸)

بعد آن‌که خیال موسی بن نصیر از بابت طنجه و اوضاع آن راحت شد، به طارق دستور داد به قیروان برگردد تا نقشه‌های جغرافیایی جدید خود بر منطقه را تکمیل کند. او برای این اهداف، تصمیم گرفت فعالیت‌های نظامی خود در دریا را نیز گسترش دهد؛ زیرا به این مسأله پی برده بود که فعالیت‌های زمینی، به تنهایی برای امنیت مناطق فتح شده و استقرار در آن‌ها کافی نیست و سلامت سرزمین‌های غرب، درگرو فعالیت‌های دریایی و گسترش آن است؛ به ویژه این‌که رومیان نیز پایگاه‌های بزرگی در دریا داشتند که بعد از شکست در شمال آفریقا، در پی باز پس‌گیری آن بودند. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۱۷)

موسی بن نصیر و شمال آفریقا

از آغازین فعالیت‌های موسی بن نصیر در منطقه آفریقا، اهتمام به مسأله کشتی‌سازی، کشتی‌رانی و آموزش آن در پایگاه‌های دریایی بود. با توجه به این‌که تونس در کنار دریاچه‌ای در نزدیکی خلیج قرطاجنه قرار داشت و گاهی رفت‌وآمد کشتی‌ها در آن سخت می‌شد، او دستور داد کانالی بین هرسی رادس و تونس حفر کردند که طول آن دوازده میل بود. این کانال، موجب برقراری امنیت شهر شد و کشتی‌ها نیز از گردباد و طوفان در امان بودند و در صورت نیاز می‌توانستند راه اتصال این کانال به دریا را قطع کنند. این فعالیت‌های موسی موجب آبادانی تونس گردید و آن را از یورش‌های رومیان در امان داشت. (قیروانی، ۱۹۶۸: ۱۳۲)

بعد از این فعالیت‌ها، تبلیغات دستگاه حاکم بر گماشتن مرزبانان در پایگاه تونس بالا گرفت و بزرگان، به اهل آفریقا نامه نوشتند: «هرکس یک روز از برادس محافظت کند ما نیز برای او یک حج به جا می‌آوریم.» این مسأله، نشان‌دهنده اهمیت مغرب برای اهل

مشرق بود. بدین سبب، فعالیت‌های دریایی موسی بن نصیر نیز به پیروزی می‌انجامید تا به رسالت خود ادامه دهد که گسترش فرهنگ اسلامی بود؛ اما وی فقط به دفاع دریایی تن نداد، بلکه ناوگان‌هایی هم برای هجوم به پایگاه‌های رومیان در شمال افریقا در آب انداخت تا بدین وسیله ترس در دل دشمن ایجاد سازد و تمام نقشه‌های هجوم رومیان علیه مغرب را نقش بر آب کند. (مونس، ۱۳۷۳:۵۶) استیلا بر جزیره قوصره (جزیره پنتلاریا)^۱ هدف اصلی موسی بود که در آن جا می‌توانست از شمال افریقا دفاع کند؛ لذا عبدالملک بن قطن فهری را با یک ناوگان مجهز روانه منطقه کرد. (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۴: ۲۲۰)

کم‌کم فعالیت‌های دریایی موسی با همکاری‌های ناوگان‌های مغرب و مصر گسترش یافت. این همکاری، موجب شد تا بدون ترس به پایگاه‌های رومی در دریای مدیترانه حمله کنند و بر آن‌ها و بر تمام جزایرشان چیره گردند آن‌ها استیلاء پیدا کنند. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۷: ۱۴۵) علاوه بر این، موسی نگاهش را گسترش داد و دنبال برخی مناطق غرب اروپا بود که نزدیک ساحل شرقی اسپانیا قرار داشت تا بتواند آن‌جا را نیز فتح کرده، اسلام را در آن سرزمین‌ها گسترش دهد. بنابراین، مسلمانان را آماده کرد تا به جزیره ایبیریا^۲ بروند و ترویج اسلام را در آن‌جا آغاز کند ولی فوت عبدالعزیز والی مصر موسی را نگران می‌ساخت؛ زیرا موسی نمی‌دانست آیا جانشین او نیز حمایت‌های بی‌دریغ از وی دارد یا خیر تا بتواند به مأموریت خود ادامه دهد. اما حمایت دختر عبدالعزیز و دامادش (ولید) از موسی، راه را برای ادامه کار فراهم ساخت. (مونس، ۱۳۷۳:۵۹)

از طرفی عبدالله بن مروان والی جدید مصر، موسی را نمی‌شناخت. لذا نامه‌ای به او نوشت و در آن قسم خورد: «آنچه از قدر و مقام داری از تو می‌گیرم و کارهای بزرگ تو را کوچک جلوه می‌دهم.» موسی در جواب نوشت: «اگر آنچه را که دارم، درشان من است، تو هیچ کاری نمی‌توانی انجام دهی و این که مرا تهدید کردی از مقام عزلم خواهی کرد، این‌ها به دست تو نیست و از تو کاری بر نمی‌آید» (مونس ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۳۱) عبدالله این نامه را برای پدرش عبدالملک بن مروان فرستاد و قبل از رسیدن نامه، عبدالملک فوت

1. Pediment.

2. Iberian Peninsula.

بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس ▶ ۵۹

کرد و خلیفه جدید ولید بن عبدالملک نامه را خواند و از نیت عبدالله آگاه شد؛ لذا عبدالله را از ولایت مصر عزل کرد و دست موسی بن نصیر را در شمال افریقا باز گذاشت، به گونه‌ای که شمال افریقا به مثابه جناح اصلی برای اسلام درآمد.

منطقه مغرب بر اثر تلاش‌های جهادی موسی بن نصیر، در دوره جدیدی از تاریخ خود قرار گرفت و دوران سخت و پر اضطراب را پشت سر گذاشت و دوره‌ای همراه با آرامش و امنیت را آغاز کرد؛ زیرا از مرزهای مصر تا اقیانوس اطلس زیر سیطره اسلام قرار گرفت. بود با عملکرد بجا و درست موسی، سر آغاز دوره جدیدی در منطقه برای آن‌ها رقم خورد؛ زیرا از یوغ رومی‌ها نجات یافتند. موسی نیز در آن منطقه دو هدف را دنبال می‌کرد:

۱. آرامش دادن به اهالی آن‌جا و از طرفی ایجاد اطمینان به این‌که دوره حکومت اسلامی با حکومت‌های یونان و روم کاملاً متفاوت است.

۲. تلاش برای گسترش فرهنگ اسلامی میان ساکنان منطقه و دوری از تفرقه و اختلاف‌انگیزی و دعوت آن‌ها به وحدت و اسلام.

این دو هدف کار راحتی نبود؛ زیرا ابتدا می‌بایست سنت‌ها و شیوه‌های باطلی را از بین می‌برد که طی سالیان متمادی در وجود آن‌ها نفوذ کرده بود و این کار صبر و تحمل فراوانی را می‌طلبید. ثانیاً می‌بایست ثروت‌ها و اموالی را که رومیان از سرزمین‌های مختلف به غارت برده بودند به آن‌ها باز می‌گرداند و مزارع و باغ‌ها را دوباره بین آن‌ها تقسیم می‌کرد و آن‌ها را دوباره به اوطان خود باز می‌گرداند.

حکومت رومیان در آن منطقه واقعاً به خطا رفته بود؛ زیرا آن‌ها با تصرفات غاصبانه بر املاک و زمین‌های کشاورزی و گماشتن نیروهای محافظ بر آن املاک، مردم منطقه را دشمن خود ساخته و هر نوع اتصال بین خود و رومیان را گسسته، به گونه‌ای که حمله‌ها و یورش‌هایی را علیه آن مرابطین^۱ آغاز کرده بودند؛ لذا حکومت روم ناچار به عقب‌نشینی شد و قوم بربر ساکن آن منطقه جنگ‌هایی را علیه رومیان آغاز کردند. همین مسأله،

۱. دولتی که از نیمه دوم قرن پنجم هجری با بروز جنگ میان قبایل بربر در مغرب اسلامی (شمال افریقا) ظهور کرد و با کم‌رنگ شدن سلطه مسلمانان بر دریای مدیترانه، توانست بر بخش‌های وسیعی از شمال افریقا و اندلس مسلط شود. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۲: ۳۲۱)

موجب تخریب شهرهای مغرب گردید. حکومت عربی موسی بن نصیر بعد از استقرار در مغرب با این وضعیت روبه‌رو گردید و متوجه شد که ساکنان آن به دنبال آرامش می‌گردند، آرامشی که به آن‌ها زندگی عطا کند و از فقر و بدبختی نجات یابند. موسی مشتاق بود تا مصالح و منافع اهل آن‌جا تأمین شود لذا مخفیانه در میان گرسنگان قرار می‌گرفت و غذای خود را با آنان تقسیم می‌کرد و همراه آنان غذا می‌خورد. روزی همراه مردم برای نماز باران به بیرون از شهر رفتند. او بعد از نماز برای نمازگزاران خطبه خواند و از خلیفه عبدالملک یادی نکرد. آنان گفتند: «آیا برای امیرالمؤمنین دعا نمی‌کنی؟» گفت: «این درخواست ما شایسته مقامی جز خداوند نیست!» که با پایان گرفتن خطبه و دعای مردم، دعای آن‌ها مستجاب شد و باران فراوانی بارید که آبادانی شهرها و مزارع را در پی داشت. بدین‌سان موسی پایه‌های درست اداره کشور را بر اساس خدمت به مردم و احترام آنان پایه‌گذاری کرد. (قبروانی، ۲۱۵: ۱۹۶۸)

بدین‌صورت، موسی بالاترین آزادی را به آن‌ها بخشید، به‌گونه‌ای که اداره امور را به خودشان واگذار کرد و برای هر قوم و قبیله‌ای، وظیفه‌ای ترسیم نمود تا محدوده تصرفات خود را بدانند و از طرفی حلقه‌ای بین دولت و مردم ایجاد شود تا آنان بتوانند در میان لشکریان عرب وارد شوند. این هم‌نشینی، باعث شد افرادی از بربر در کنار عرب‌ها در سپاه قرار گرفتند. (سالم ۱۹۸۸: ۲۵) هم‌چنین دولت در آن منطقه، دیوان‌هایی را برای اجرای سیاست خود در منطقه مغرب ایجاد کرد و بزرگان و اشراف را در رأس آن قرار داد تا به‌طور مساوی بین همه قضاوت کنند؛ مانند دیوان لشکر که متکفل پرداخت حقوق ماهیانه به آن‌ها گردید. موسی به محض استقرار در تولدو^۱ برای پرداختن حقوق سپاهیان، به ضرب سکه‌هایی از روی و برنز اقدام کرد تا بین عرب و بربر توزیع شود؛ زیرا دستگاه خلافت اموی، دستور داده بود سکه‌های عربی ضرب شود و جایگزین سکه‌های رومی گردد. (مونس، ۱۳۷۳: ۱۱۹)

1. Toledo.

عملکرد نظامی موسی بن نصیر در فتح اندلس

موسی پس از پایان فتوحات در مغرب، کم‌کم به اهمیت اسپانیا پی برد و دنبال راهی برای فتح آن می‌گشت؛ بدین سبب اخبار آن‌جا را پی‌گیری می‌کرد و از احوال آن منطقه، جويا می‌شد. او برای به دست آوردن اطلاعات مفیدتر، منطقه قیروان را به سبب نزدیکی به اسپانیا مقر خود قرار داده بود؛ زیرا در تنگه جبل الطارق قرار داشت که به مناطق اروپایی می‌رسید. علاوه بر این، طارق بن زیاد نیز که به عنوان دست راستش بود، در آن منطقه سکونت داشت و کمک‌های شایانی در فتوحات به وی کرد؛ زیرا او اولاً از بربرها بود و از ساکنان اصلی آفریقا به حساب می‌آمد و اطلاعات کافی درباره اسپانیا و دارایی‌های آن داشت؛ ثانیاً جزو نیروهای بومی برای دولت اسلام بود و در گذشته، امین بودن خود را برای موسی به اثبات رسانده و در اجرای برنامه‌های وی در فتح اسپانیا مورد اعتماد بود، زیرا منطقه سبته که زیر سیطره و با فرماندهی یولیان اداره می‌شد، در نزدیکی طنجه قرار داشت، این خود به منزله شکافی بود که از آنجا می‌شد اسپانیا را زیر نظر گرفت.

یولیان آن قدر با مردم و بزرگان قبایل خوب رفتار کرد که گویا اهل آن‌جا شده بود؛ زیرا از سالیان قبل در آن‌جا فرماندهی می‌کرد و مردم نیز او را از خود می‌دانستند؛ زیرا با سنت‌ها و آداب و رسوم آن منطقه خو گرفته بود. به هر حال در میان آن‌ها به گونه‌ای عمل می‌کرد که برخی تاریخ‌نگاران او را بربر دانسته‌اند. با فروپاشی حکومت روم در آفریقا به علت فتوحات اسلامی، یولیان با دولت گوت (قوط) در اسپانیا هم‌کاری می‌کرد تا مرکز فرماندهی خود را حفظ کند. پادشاه گوت شخصی به نام ویتیزا (غیطشه)^۱ بود که از فرماندهی یولیان استقبال می‌کرد؛ زیرا به جایگاه و اهمیت سبته پی برده بود و می‌دانست که موقعیت جغرافیایی خوبی دارد و بدین‌وسیله می‌تواند به آب‌ها و جزایر آن منطقه دست یابد و آن‌ها را از هجوم بیگانگان در امان بدارد. (مونس، ۱۹۱۱: ۲۰۱) علی‌رغم این‌که یولیان پشتیبانی خود را از اسپانیا اعلام کرده بود، ولی از استقرار دولت جدید اسلامی در مغرب نیز خبر داشت و برای ادامه قدرت خویش، لازم می‌دانست هم‌جواری خود را با دولت مسلمانان در طنجه حفظ کند و از درگیری با آن‌ها اجتناب ورزد.

۱. Vitiza که در کتب عربی «غیطشه» نوشته شده در سال ۷۷ هجری پادشاه شد و پانزده سال هم حکومت کرد.

موسی بن نصیر از طارق حاکم طنجه، خواست روابط خود را با والی سبته گسترش دهد؛ زیرا آن‌جا کلید فتح اسپانیا محسوب می‌شد. او نیز به خوبی چنین کرد و تمام اخبار و اوضاع و احوال اسپانیا را از آنجا کنترل نمود. این عملکرد، کم‌کم موجب شد تا زمینه حرکت برای فتح اسپانیا از سبته آغاز گردد، زیرا دولت گوت دچار تزلزل شده و خبر آن به مردم سبته و یولیان نیز رسیده بود. یولیان تصمیم گرفت به جای هم‌جواری با مسلمانان، با آن‌ها هم پیمان شده، در تحقق مصالح مشترک دو طرف تلاش کنند. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۴: ۲۱۵) تزلزل حکومت اسپانیا، به جایی رسید که شخصی به نام «لودریق» بر حاکم آن-جا شورید و او را از تخت به زیر کشید و به‌جای ویتیزا بر اریکه قدرت نشست و فرزندان او را به بدترین وضع م‌شکنجه کرد. یولیان بعد از مدت کوتاهی، حمله‌ای به اسپانیا و لودریق ترتیب داد و جنگجویان متعددی همراه او در این جنگ شرکت کردند، اما نیروهای لودریق بر سپاه او غلبه یافتند و یولیان ناچار به بازگشت به سبته شد و به دنبال راهی گشت تا از آن‌جا به قیروان برود و از دولت جدید اسلامی برای مقابله با سپاه آن‌ها کمک بگیرد. (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۰، ج ۱: ۱۹۸)

حوادث اسپانیا، موجب گردید تا منطقه سبته، گذرگاهی برای نفوذ و اشراف بر اسپانیا باشد و به عنوان منطقه‌ای برای نشر معارف اسلامی تبدیل شود و تحت قدرت اسلامی درآید. در این برهه از زمان، نباید واسطه‌گری‌های پرفایده و خوب طارق را بین موسی بن نصیر و یولیان نادیده گرفت؛ زیرا گفت‌گوهایی بین او و یولیان، صورت گرفته بود که متوجه شد الان بهترین وضعیت برای فتح اندلس است. با آمدن یولیان به قیروان، موسی به صدق گفتار طارق پی برد و متوجه شد که یولیان آمادگی دارد علیه لودریق قیام کند و آن‌ها را در این حمله همراهی نماید. به این ترتیب، زمینه‌های فتح کشور اسپانیا فراهم شد. (سالم، ۱۹۸۸: ۳۴)

عزیمت و استقرار در اندلس

فتح اندلس نمونه بارزی از فعالیت‌های رهبری گروهی است که به صورتی زیبا و هماهنگ شده به مرحله عمل رسید. این مسأله، نشان دهنده ارتباط قوی و منسجم بین

۶۳ ► بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس

فرماندهان در این فتح بود که موسی بن نصیر، ستون فقرات این حلقه اتصال را به عهده داشت.^۱ و اولین اقدامی که وی در راه اجرای نقشه رهبری گروهی خود انجام داد، استقبال گرم از یولیان بود که به طرف قیروان آمد (عنان، ۱۳۶۶، ج ۱: ۳۷) و موافقت خود علیه لودریق را اعلام نمود. و همین مسأله، باعث شد تا موسی، تلاش‌های جنگی خود را ادامه دهد. در هر حال، او از یولیان خواست تا خودش قیام علیه جنوب اسپانیا را به عهده بگیرد. دو عامل، موجب این درخواست شد: یکی جدیت یولیان بر ضدیت با لودریق؛ دیگر مشاهده قدرت مقاومت و دفاع یولیان در برابر نیروهای قوط و پی بردن به استعداد جنگی او. یولیان نیز به اسپانیا حمله کرد و با غنایم و اسیران فراوانی بازگشت. (سالم، ۱۹۸۸: ۱۱۷) بعد از آن، موسی تصمیم گرفت خودش از اوضاع اسپانیا اطلاع داشته باشد؛ لذا سپاه کوچکی را به سرپرستی ابوزرع طریف برای کسب اطلاعات و اخبار به آنجا فرستاد که حدود چهارصد نفر از فداییان مسلمان بودند. آنان به وسیله کشتی‌ای که یولیان در اختیارشان قرار داده بود، به طرف آنجا حرکت کردند و در جزیره «بالوماس» مستقر شدند. آنان از آنجا به اطراف رفتند و اطلاعات کافی و وافی از اهالی آنجا و هم‌چنین شدت علاقه آن‌ها به حاکمان قوط به دست آوردند. سپس به مغرب بازگشتند و گزارش مفصلی از حمله‌های خود در اختیار موسی بن نصیر قرار داد و بدین ترتیب نقشه کاروان‌های استطلاعی و استخباری او تمام شد. موسی تصمیم گرفت برای فتح اسپانیا برنامه جدید و منظم بریزد. در نتیجه، یک‌بار دیگر، قدرت نظامی موسی اوج گرفت و نقش رهبری وی بر همگان هویدا شد. او برای این حمله، لشکری بالغ بر پنج هزار نفر سپاهی تدارک دید تا زیادی نفرات، موجب شود ترس و دلهره در یولیان راه نیابد. موسی در آن زمان همانند سابق، نظم و سیاق خاصی در لشکر خود ایجاد کرد. وی در ابتدا کاروانی با تعداد کم به آنجا فرستاد و سپس نیروهای امدادی را به کمک آن‌ها روانه ساخت و دقیقاً همان کاری را کرد که در فتح شام، مصر، فارس و سرزمین‌های مغرب انجام داده بود.

۱. این سپاه بزرگ یک‌جا به اندلس نرسید، بلکه تحت فرماندهی موسی با توجه به قبایل و دودمانشان به گروه‌هایی تقسیم شدند و هر گروه برای خود پرچمی مخصوص داشتند. موسی پس از فرود در خاک تندلس، در مکانی نزدیک «الجسیرس»، مسجدی ساخت و به انتظار آنان نشست. گروه‌ها همراه پرچم‌های خود به تدریج به موسی پیوستند و آن مکان و مسجد به نام مسجد «الرایات» معروف شد که قرن‌های متمادی آباد بود.

در هر صورت موسی، نقش رهبری گروهی خود را در فتح اندلس به زیبایی انجام داد و فرماندهی اندلس را به طارق بن زیاد^۱ سپرد، زیرا طارق تمام اطلاعات کشور اسپانیا را جمع کرده و گفت‌گوهای فراوانی با یولیان انجام داده بود و به طور کلی، کارشناس مسائل جنگی و سیاسی در آن منطقه به حساب می‌آمد. یولیان متعهد شد تا کشتی‌هایش را در اختیار او قرار دهد و از آن‌ها برای انتقال نیروهای مسلمان به اسپانیا استفاده کند. او بدین شکل، حرکت نیروها را از چشم جاسوسان مخفی نگاه داشت.

ناوگان‌های اسلامی در زمان موسی و در منطقه تونس، آغاز به کار کردند و فعالیت‌های خود را در تسلط بر جزایر بزرگ در غرب دریای مدیترانه رونق دادند زمانی هم که می‌خواستند به حکومت گوت در اندلس حمله کنند، بر این کشتی‌ها اعتماد کردند و توانستند از تنگه جبل‌الطارق گذر کرده، و اسپانیا را فتح کنند. اما با توجه به این‌که یولیان چهار کشتی بیش‌تر نداشت، نمی‌توانست همه نیروها را در یک نوبت ببرد، بنابراین در چندین نوبت این کار را انجام داد.

به نوشته برخی از تاریخ‌نویسان، طارق بعد از انتقال نیروها به جبل‌الطارق، تمام کشتی‌ها را سوزاند تا فکر بازگشت را از سر بیرون کنند و خود را به طور کامل برای حمله به مخالفان آماده کنند؛ اما این نوشتار با عقل سلیم سازگار نیست؛ زیرا اولاً هر فرماندهی باید راه‌های تأمین غذای نیروهای خود را پیش‌بینی کند. این کار تنها در صورت ارتباط داشتن با مرکز امکان‌پذیر خواهد بود؛ ثانیاً باید به همه نیروهای خود امید پیروزی و بازگشت دهد. درست این است که طارق بعد از استقرار در پایگاه خود در جنوب اسپانیا، به تحکیم پایه‌های آن‌جا همت گماشت و اطراف آن دیواری کشید تا از حمله بیگانگان در امان باشد. این حرکت، در واقع همان روش موسی بود تا نیروهای خود را از سستی و ضعف حفظ کند. در هر صورت، اولین کاروان مسلمان بدون درگیری وارد اسپانیا شدند و در جنوب آن سکنی گزیدند؛ آن هم به سبب برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی‌های دقیق موسی با فرماندهان دیگر بود و از اطلاعاتی که از آن منطقه به دست آورده بود، استفاده‌های

۱. در اصل ونسب طارق از نظر روایات تاریخی اختلاف است. برخی گویند طارق عثی و از مردم همدان و جزو موالی موسی بن نصیر بود؛ برخی می‌گویند از بربرها و جزو یکی از بطون قبیله نفزه به شمار می‌آمد. (ابن خلدون، ج ۴: ۱۲۱)

بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس ▶ ۶۵

کافی کرد و در بهترین زمان حمله را آغاز نمود؛ زیرا آن زمان لوزریق در دورترین نقطه شمالی اسپانیا قرار داشت. او بعد از حمله مسلمانان، دنبال فرزندان غیطشه فرستاد تا با همکاری یکدیگر، بر مسلمانان غلبه کنند اما آن‌ها که از ستم‌های لوزریق آزار دیده بودند، با او همکاری نکرده، علیه مسلمانان قیام نکردند (ابن قوطیه، ۱۳۶۹: ۳۲) اما لوزریق به سرعت لشکرکشی کرد و قرطبه را اشغال نمود تا نگذارد دست مسلمانان به آن‌جا برسد؛ زیرا قرطبه، کلیدی برای فتح جنوب اندلس بود و از آن‌جا می‌توانست بر دیگر بلاد سیطره یابد. از طرفی، طارق بن زیاد نیز که آهنگ تصرف آن‌جا را کرده بود، خود را به جزیره طریفه رساند و از طریق شمال قرطبه، به دریاچه خندق رسید که نهر برباط از آن سرچشمه می‌گیرد و شهر بگه نیز در کنار آن بنا شده است که بعدها به وادی بگه یا وادی مگه نام گرفت. (ابن قوطیه، ۱۳۶۹: ۳۳)

طارق در وادی بگه متوجه شد لوزریق بر قرطبه چیره گشته و پایگاه نظامی خود را در نزدیکی آن بنا کرده و لشکر پنج هزار نفری گوت را به فرمان خود درآورده است؛ ولی نیروهای طارق کم‌تر از آن‌ها بودند و نمی‌توانستند با آن‌ها درگیر شوند. لذا نامه‌ای به موسی بن نصیر نوشت و موضوع را به او خبر داد. با وارد شدن طارق به اسپانیا، موسی نه تنها کمک‌های خود را از او دریغ نکرد، بلکه به فکر تهیه ناوگان‌هایی افتاد تا بتواند در یک مرحله، تمامی نیروها را از تنگه جبل الطارق عبور دهد. در نتیجه، موفق شد ۵ هزار نفر را باهمدیگر با ناوگان‌های متعدد، به فرماندهی طریف بن ملوک به اسپانیا گسیل دهد تا به نیروهای طارق بپیوندند. این کمک‌رسانی سریع، به معنای ارتباط نزدیک موسی و طارق بود. هم‌چنین نشانه امنیت راه‌های مواصلاتی و برنامه‌ریزی‌های دقیق است؛ زیرا این کمک‌ها، زمانی رسید که حکومت قوط در آستانه حمله بر نیروهای مسلمان بود و با ارسال این نیروها کار آن‌ها مشکل شد. (ابن اثیر، بی تا، ج ۴: ۲۱۲) طارق با جمع‌آوری نیروهای خود، در میان آن‌ها شروع به سخن‌رانی کرد و با ایجاد نشاط و روح معنویت، آن‌ها را برای درگیری با دشمن تشویق کرد و گفت:

ای مردم! به کجا توانید گریخت؟ دریا در پشت سر شماست و دشمن روبه‌رویتان! به خدا سوگند چاره‌ای جز شکیبایی و پایداری ندارید...! دشمن با لشکری گران‌رو در روی شما قرار گرفته، در حالی که سلاح و توشه‌ای فراوان دارد و شما را پشتیبان و یآوری جز

شمشیرهایتان نیست... پس بکوشید تا سرنوشت فلاکت‌بار را از خود دور سازید. (عنان، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۳)

با این سخن‌رانی، کم‌کم روحیه نیروها قوت گرفت و تصمیم گرفتند به لوذریق حمله کنند و او و نیروهایش را زیر سیطره طارق درآورند. بدین‌سان هر دو لشکر در کنار رودخانه رو در روی هم‌دیگر ایستادند با این تفاوت که مسلمانان چنان هبیتی به خود گرفته بود که لشکریان لوذریق با دیدن این آرایش جنگی، توان حمله به آن‌ها را از دست دادند. در نتیجه، روز یکشنبه ۲۸ رمضان سال ۹۲ هجری، درگیری‌های آن دو لشکر در وادی برباط آغاز گردید و تا سه روز ادامه یافت.

در روزهای اولیه شروع جنگ، گماشتگان یولیان داخل سپاه لوذریق شده، کاری کردند که آن‌ها از جنگ دست بردارند و به آن‌ها گفتند:

مسلمانان برای فتح آندلس و ماندن در این‌جا نیامده‌اند، بلکه آمده‌اند تا این ظلم طاغوت را خاموش کنند که اگر چنین شود، آرامش به مملکت بازگشته، امنیت ایجاد می‌شود.

روز چهارم جنگ، تبلیغات مأموران یولیان نتیجه داد و ستون فقرات سپاه لوذریق شکسته شد و او را رها کردند و اضطراب و دلهره بین دیگر نیروهای قوط به وجود آمد؛ زیرا بیش‌تر جنگجویان را بردگان تشکیل می‌دادند و آنان نیز فرصت را غنیمت شمرده، فرار کردند و بدین‌سبب جنگ به نفع مسلمانان پایان یافت و لوذریق نیز فرار کرد. طارق این پیروزی را به موسی خبر داد و وی نیز خبر این پیروزی را به خلیفه رسانید. (عنان، ۱۳۶۶: ۵۵)

طارق بعد از این پیروزی، تصمیم گرفت که پایتخت حکومت قوط را نیز تصرف کند و به آسانی نیز چنین کرد و طیطله را فتح نمود و کوشید بازماندگان ارتش فراری قوط را نیز به فرمان خود درآورد. در مسیر حرکت به شهر مائده در نزدیکی قلعه هنارس، پس از به دست آوردن غنایم^۱ فراوان، با نزدیک شدن سرمای زمستان لشکریان خود را آماده حرکت به سوی پایتخت کرد تا از سرما در امان باشند.

۱. مسلمانان در آن منطقه، به گنج بزرگی دست یافتند که در واقع گشتارگاه کنیسه طیطله بود که با گران‌قیمت‌ترین کالاها و جواهرات زینت شده بود.

۶۷ ► بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس

موسی بن نصیر، بعد از درگیری وادی بگه احساس کرد خطرهایی در کمین فتوحات مسلمانان است؛ زیرا ساکنان پناهگاه‌های اطراف، هنوز به پیروی از اسلام درنیامده بودند و در بین پناهگاه‌ها، فقط قرطبه تحت سیطره طارق درآمده بود. اول کسی هم که احساس خطر کرد، یولیان بود. وی آن زمان در جزیره خضرا اقامت داشت و دنبال ایجاد امنیت بین مرزهای مواصلاتی مسلمانان در سرزمین‌های اسپانیا و مغرب بود. او در این حال، متوجه شد که گروهی در صدد از بین بردن نیروهای گماشته شده در مرزها هستند. بنابراین طی نامه‌ای، طارق را در جریان امر قرار داد و درخواست نیروهای بیش‌تر کرد. با رسیدن این خبر به موسی، وی نیز هزاران نفر از بهترین سپاهیان خود را که از عرب و بربر بودند، به کمک آن‌ها فرستاد و خود نیز با عجله مغرب را ترک کرد و به طرف اسپانیا رهسپار شد. موسی سپاه خود را بر حسب قبایل تقسیم کرد تا حرکت آن‌ها به طرف آندلس راحت باشد. این سپاه در رمضان سال ۹۳ قمری، مغرب را به طرف جزیره خضرا در اندلس ترک کردند. با ورود همه سپاه، یولیان به حضور موسی رسید و در مورد جایگاه خطیر آن منطقه با وی مشورت نمود و تصمیم گرفتند پایگاه‌هایی را که طارق رها کرده بود، به سیطره خود درآورند. بنابراین او نامه‌ای به طارق نوشت و دستور داد از هر گونه عمل خودداری کند و از طلیطله منتظر پیغام باشد. (عنان، ۱۳۶۶: ۶۰)

موسی ابتدا برای ملاقات طارق و تنبیه او نرفت بلکه به فتح شهرهای بزرگ جنوبی و غربی پرداخت. او پس از فراغت از این کار، به سوی طارق رهسپار شد و او را در طلبیره نزدیک تولد و، ملاقات کرد. برخی تاریخ‌نگاران، از آنچه در این دیدار گذشت، به تفصیل سخن گفته‌اند؛ مثلاً ابن عبد الحکم می‌نویسد:

موسی، طارق را در بند کرد و او را به زندان افکند و تصمیم به قتلش گرفت اما با وساطت مغیث رومی از این کار خودداری ورزید. طارق از زندان به مغیث نامه‌ای نوشت و از او تقاضا کرد که ماجرایش را سریعاً به خلیفه ولید اطلاع دهد. مغیث نزد موسی رفت و او را از بدرفتاری با طارق بر حذر داشت. آن‌گاه به دمشق رفت و مایه‌ای را به اطلاع ولید رساند. ولید نامه‌ای تهدیدآمیز به موسی نوشت و او را به دمشق احضار کرد. موسی از

ترس، طارق را آزاد ساخت و اندکی بعد به دمشق بازگشت تا به سبب رفتارش با طارق در برابر خلیفه به شدت حساب پس دهد.

در بین منابع موثق، ابن عبدالحکم تنها کسی است که این داستان را نقل کرده و افراد او در این روایت به نظر ما یک توجیه بیش تر ندارد. (مونس، ۱۳۷۳: ۹۷) شناخته بودن روایت یاد شده در مشرق و ناشناخته بودن آن در میان آندلسیان. منشأ این روایت در شرق، به احتمال قوی، مغیث رومی است؛ زیرا او هم چنان که خواهیم دید، خود را وابسته به ولید و به حکومت برآندلس سزاوارتر می دانست؛ لذا از موسی در خشم بود و علیه او دسیسه چینی می کرد. هنگامی که او برای گزارش اخبار پیروزی های مسلمانان به ولید، رهسپار دمشق شد، فرصت را مغتنم شمرد و به بیان مبالغه آمیز بدی های موسی پرداخت و مطالب بی پایه ای نیز از پیش خود اضافه کرد تا جایی که - بر اساس روایت سابق الذکر ابن عبدالحکم - تمامی خدمات و شایستگی های او را در فتح انکار کرد. سخنان بی پایه مغیث در میان افراد کاخ خلیفه و مردم دمشق انتشار یافت.^۱ (ابن عبدالحکم، ۱۹۲۰، ج ۱: ۲۱۰)

اما این که موسی بر طارق غضب کرده، گفته درستی است؛ زیرا عقب نشینی سریع طارق از وادی بکه و رها کردن منطقه، موجب به خطر افتادن راه مواصلاتی مسلمانان گردید و در نتیجه، پناهگاه ها واگذار شد که خشم موسی را در پی داشت. لذا برای تأمین راه های مواصلاتی مسلمانان بین جزیره خضرا و بین قرطبه، مبادرت ورزید و با عجله به شذونه رفت و بر قرمونه و رعواق چیره شد. بدین سان کاروان سراهای بزرگ در مسیر قرطبه به تصرف مسلمانان درآمدند و آنان قدرت یافتند تا پایگاه اشبیلیه را فتح کنند که بعد از طلیطله، از بزرگ ترین شهرهای اسپانیا محسوب می شد و مسیر تقاطع همه راه های بود که به طرف جنوب آندلس ختم می شد. (مقری، بی تا، ج ۱: ۱۷۰)

موسی چندین ماه اطراف اشبیلیه را محاصره کرد اما نتوانست بر آن چیره شود تا زمانی که یهودیان ساکن در آن منطقه به فرماندهان خود خیانت کردند و در فتح آن جا به او کمک رساندند. آنان بلافاصله بعد از فتح اشبیلیه، تصمیم گرفتند یکی دیگر از پناهگاه های

۱. بر اساس برخی منابع، پس از چندی این دو شخصیت آشتی کردند و موسی از طارق اظهار رضایت نمود و او را در فرماندهی سپاه خود باقی گذارد و هم کاری خود را با هم از سر گرفتند. (مقری، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۵۱)

بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس ▶ ۶۹

آنان یعنی شهر مارده را نیز از دست قوط درآورده، زیر سیطره مسلمانان قرار دهند. (مقری، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۶۵)

موسی مارده را شهری با دیوارهای مستحکم یافت که راه یافتن بر آن به این سادگی امکان پذیر نبود. برج های بلند و قلعه های مستحکم از نهادهای آن بود که فراریان و بازماندگان از دولت قوط و هواداران لوذریق، آن جا را پناهگاه خود قرار داده بودند؛ زیرا از مسیر مسلمانان دور و راه های رسیدن به آن نیز سنگلاخی و صعب العبور بود. (ابن قوطیه، ۱۳۶۹: ۱۱۱)

موسی دام های فراوانی اطراف صخره های دور شهر پهن کرد و ضربات محکمی را به آن ها وارد ساخت و زمانی که از آن پناهگاه بیرون می آمدند در آن دام قرار می گرفتند. البته مسلمانان زیادی در آن منطقه کشته شدند و موسی با سختی ها و تلاش های فراوان و وعده هایی به اهالی، توانست آن جا را تصرف کند. بالاخره در سال ۹۴ هجری مردم آن - جا نیز تسلیم مسلمان شدند. مقاومت دولت قوط در آن منطقه، موجب گردید تا موسی دنبال فنون جنگی جدید بگردد تا بتواند از فتوحات مسلمانان پشتیبانی کند؛ زیرا متوجه شد باید در کنترل شهر، فقط از نیروهای مسلمان استفاده کند و نیروهای محلی و بومی قابل اعتماد نیستند. هجومات قوط بر فتوحات مسلمانان و غارت کردن آن ها بعد از بیرون رفتن لشکر اسلام از آن جا، این ضرورت را برای موسی ایجاد کرده بود که دنبال نیروهایی قومی و فنون رزمی جدیدتر برای دفاع از فتوحات باشد. علاوه بر این، بعد از خروج موسی از اشبیلیه، حامیان قوط به آن جا یورش بردند و هشت نفر را کشتند و بقیه را به خروج از آنجا مجبور کردند. انقلاب اخیر، نشان دهنده اوج مقاومت قوط بود و اگر موسی به سرعت خود را به آنجا نمی رساند، خطری در کمین طارق بود که او را نیز به قتل برسانند. (مقری، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۵۱)

موسی به این نتیجه رسید که قوط قدرت جدیدی یافته و مراکز مقاومت را در اختیار گرفته و قصد دارد نواحی کوهستانی غرب منطقه را مقر دائم خود برای مقاومت انتخاب نماید و به محض این که رخصت یابند بر مسلمانان یورش برند و کم کم طارق را نیز از سر راه بردارند. بنابراین موسی بر آن شد تا نقشه های قوط را برملا کند؛ اما به محض این که از مارده بیرون رفت، باخبر شد که لوذریق فرماندهی قوط را بر عهده گرفته و دوباره در

تدارک سپاهی است تا بار دیگر بر مسلمانان هجوم ببرد. بنابراین مرکز مقاومت خود را در دره‌های بلند کوهستانی قرار داد و به خوبی توانست نیروهای خود را در آن‌جا مخفی کند، به گونه‌ای که موسی تصمیم گرفت از نقشه‌های لوذریق دست بردارد و به دنبال طارق در طلیطله برود. (ابن عذاری، ۱۴۰۰، ج ۲: ۱۱)

موسی با نیروهای خود در راه ایالت رومی آفریقا^۱ قرار گرفت و فرمانی که در میانه راه رسید، لوذریق فرصت را برای حمله به آنان غنیمت شمرد و در ناحیه سواقی به آن‌ها هجوم برد، اما غافل از این بود که موسی تمام وسایل و امکانات را برای دفاع از آن‌ها و دور نگه داشتن از خطرها آماده ساخته است. بنابراین، مسلمانان در برابر هجوم قوط مقاومت کردند و خسارت‌های فراوانی بر آنان وارد ساختند و بسیاری از آنان را کشتند. لوذریق نیز که به دست مروان بن موسی بن نصیر به قتل رسید و راه ورود به طلیطله بر موسی باز شد و در مسیر آن، با سپاه طارق روبه‌رو گشت که برای مقابله با لوذریق، شهر را ترک کرده بودند. (ابن عذاری، ۱۴۰۰، ج ۲: ۱۵)

در همین حین حامیان قوط، طلیطله را به سیطره خود در آورده بودند اما یک‌بار دیگر موسی و طارق و سپاهیان آنان به شهر هجوم بردند و از سیطره قوط درآوردند و بدین ترتیب مقاومت آنان با آمدن موسی به پایان رسید. وی با طارق، مجلس نظامی برقرار کردند تا اوضاع اسپانیا را بررسی کنند و آنچه را که مسلمانان باید بیاموزند و عمل کنند، برای آنان برنامه‌ریزی نمایند. لذا تصمیم گرفتند که آموزش‌های وافی و کافی نظامی و جنگی را به آنان تعلیم دهند تا با دفاع از خود، بتوانند عزت دین اسلام را مستدام داشته، پرچم اسلام را در سرزمین اروپا بالا نگه‌دارند.

البته موسی در هنگام پژوهش‌های نظامی نیز از اداره کشور غافل نماند و با رفتار و برخورد خوب خود، فرزندان غیطشه را متقاعد کرد که مسلمانان برای غنایم و ثروت نیامده‌اند، بلکه کشور را فتح کردند تا اسلام را در آن‌جا ترویج کنند. بنابراین ترس از دل آنان بیرون رفت و آن‌ها نیز در کنار موسی قرار گرفتند. او نیز یکی از فرزندان غیطشه را به سرپرستی یکی از شهرهای فتح شده گماشت و جایگاه بلندی به او بخشید. یکی دیگر

۱. امروزه تقریباً تونس و شرق الجزایر کنونی را شامل می‌شود.

۷۱ ► بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس

از برادرانش را نیز به عنوان بزرگ دینی آن منطقه معرفی کرد تا پی‌گیر امور دینی مردم باشد. همچنین در آن منطقه دستور داد سکه‌هایی از طلا ضرب کردند. تا بدین وسیله حقوق کارمندان تحت امر را بپردازند. همچنین دستور داد سکه‌هایی از جنس برنز ضرب کنند تا معاملات روزانه مردم به سهولت انجام پذیرد. انجام دادن این کارها، نشان دهنده سیطره کامل موسی بر آن منطقه است. (مقری، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۹۴)

موسی همچنین برنامه‌ریزی‌های جنگی را در طلیطله کامل کرد و با طارق، تصمیم گرفتند تا پیشروی‌های شمالی خود را در جهت تأمین جایگاه مسلمانان آغاز کنند. بنابراین به طرف شمال شرق یورش بردند تا منطقه «حوض‌الابر» را فتح کنند. اسقف شهر به همراه برخی از راهبان، تصمیم گرفتند اموال و کتب را بردارند و فرار کنند، اما موسی کسی را فرستاد تا ترس آن‌ها را برطرف سازد و با آنان صحبت کند و تعهد و وثیقه‌ای به آن‌ها دهد که در امان هستند. بدین ترتیب بدون خون‌ریزی، بر شهر مسلط شدند و مسجدی را در آن جا بنا نهادند. (مقری، ۱۴۰۵، ج ۱: ۵۳۳)

در زمانی که موسی تمام تلاش‌های خود در جهت تأمین مایحتاج مسلمانان در آن منطقه مبذول می‌نمود مغیث رومی فرستاده خلیفه نزد او آمد و پیغام رسانید که او باید به دمشق برود و با خلیفه دیدار کند؛ اما او که فراریان قوط را در ذهن داشت، می‌دانست که اگر صحنه را ترک کند، بسرزمین‌های فتح شده را از دست خواهد داد؛ بنابراین از فرستاده حاکم اجازه خواست تا پایان جنگ صبر کند. در این حال موسی بن نصیر، نیروهای خود را دو قسمت کرد: گروهی را به دست طارق سپرد و آن‌ها را به طرف غرب روانه کرد و گروهی را همراه با خود به نوار غربی رود ابرو برد. خیلی از بزرگان آن سرزمین به استقبال آن‌ها رفته، مسلمان شدند اما گروهی از فراریان قوط به کوه‌های ساحلی شمالی رود پناهنده شدند و در مکانی به نام صخره پلای جا گرفتند. موسی گروهی را نیز به اطراف رودخانه فرستاد تا این که مناطق ساحلی را نیز فتح کردند و فتنه‌های قوط را خواباندند. فرماندهی این عملیات را پسرش عبدالعزیز به عهده داشت. او مثل پدر با رفق و تسامح بر سرزمین‌ها فایق آمد. (ابن قوطیه، ۱۳۶۹: ۱۷۹)

عبدالعزیز تصمیم گرفت با مدارا کردن با والیان، عهدنامه‌هایی را ترتیب دهد و بدین وسیله آن‌ها را در ذمه اسلام درآورد. برای مثال، با یکی از سران قوم قوط عهدنامه

نوشت و با این سیاست آن‌ها را زیر سیطره اسلام درآورد. (ابن فرضی، ۱۹۵۴، ج ۱:۱۰۹) آن‌ها با ورود سپاهیان مسلمان، روح تازه‌ای گرفتند و اراده جدیدی پیدا کردند؛ زیرا زمین‌های کشاورزی باوجود این‌ها شکوفا شد و تجارت و صنعت نیز بعد از رکود طولانی، فعالیت جدیدی را آغاز کرد و اهالی آن‌جا نیز طعم مساوات را چشیدند و معنای انس و الفت و محبت را دریافتند زیرا آزادی عقیده‌ها محترم بود. دولت قوط در کم‌تر از چهار ماه کاملاً شکست خورد و در کم‌تر از دو سال، قدرت مسلمانان بین دریای مدیترانه و کوه‌های پیرنه چیره شد. موسی بن نصیر، علی بن رباع را برای گزارش دهی به سوی خلیفه ولید بن عبدالملک فرستاد تا پیروزی‌های مسلمانان را به او گزارش دهد. اتفاقاً زمانی که او وارد مسجد دمشق شد، وقت نماز عصر بود. او شنید که قاضی از موسی بن نصیر سخن می‌گوید و از او بدگویی می‌کند. بلافاصله علی بن رباع بالای منبر رفت و از موسی دفاع کرد و گفت: «به خدا قسم یک لحظه از اطاعت خدا دست نکشیده و همواره در پیروی از خلیفه است و از مسلمانان دفاع می‌کند. من الان از نزد او می‌آیم و خبرهایی از کشورگشایی‌های او و توسعه اسلام برای خلیفه دارم.» خلیفه بعد از خواندن نامه، به سجده افتاد و خدا را شکر کرد. (احمدالعدوی، بی تا: ۱۰۲)

نتیجه

موسی بن نصیر با توجه به استعداد ذاتی و علاقه به امور جنگی، توانست به بالاترین مراتب و درجات نظامی دوره امویان دست یابد. وی کوشید از درگیری‌ها و اختلافات درونی مسلمانان تا حد امکان فاصله گیرد و تمام همت خود را بر فتوحات و گسترش مرزهای جغرافیایی جهان اسلام متمرکز کند. او از راه فتوحات و کسب غنائم، توانست تعداد زیادی از مسلمانان را جذب سپاه اسلام نماید. بدین ترتیب سپاهیان مسلمان در آفریقا، با سرعت چشم‌گیری افزایش یافتند و زمینه برای فتوحات بیش‌تر فراهم آمد. موسی با شنیدن خبر پیروزی‌های طارق، در سال ۹۲ هجری رهسپار اندلس شد تا بر روند کار فتوحات اندلس نظارت نماید. موسی پس از تثبیت مواضع سپاهیان در سال ۷۱۵م/۹۶ق. همراه غنائم جنگی وارد دمشق شد (چهل روز قبل از فوت خلیفه) و شامیان

۷۳ ► بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس

از خیرات و غنایم آورده شده توسط وی، به شادی و شرف پرداختند. این استقبال در روز جمعه صورت گرفت و خلیفه بر بالای منبر شروع به سخن کرد و سپاس الهی را به جا آورد و با خواندن خطبه مفصلی، آن روز را برای جهان عرب و اسلام روز تاریخی قلمداد کرد و موسی را در کنار خویش نشانده. عنایت خلیفه به موسی، توجه همه حاضران را به خود جلب کرد. موسی نیز به پاس این عنایت و احترام خلیفه، تمام غنائیمی که همراه خود آورده بود، به خلیفه تقدیم کرد. با درگذشت ولید، بعد از چهل روز خلافت به سلیمان بن عبدالملک واگذار شد و موسی در آن زمان حدود هشتاد سال داشت که جزء مشاوران عالی رتبه سلیمان قرار گرفت. سلیمان در همه امور مخصوصاً در مسائل جنگی و نظامی از موسی مشورت و کمک می گرفت. وی نیز اطلاعات کافی و گزارش‌های وافعی از اوضاع و اخبار فتوحات اسلامی در سرزمین‌های مغرب اسپانیا و اروپا در اختیار خلیفه می گذاشت؛ زیرا نتایج بسیار خوبی از فتح اسپانیا به دست آمده بود؛ مانند برقراری اصول مالیاتی بر اساس عدل و مساوات، تغییر یافتن اوضاع زندگی بردگان و غلامان و واگذاری زمین‌های کشاورزی به آنها تحت عنوان مستأجر، بستن قرارداد میان مسلمانان و شهرهای دیگر اسپانیا در صورت بروز جنگ و حوادث دیگر و از همه مهم‌تر، روشن شدن مشعل دانش به دست مسلمانان در افریقای شمالی. هم‌چنین تکمیل و تثبیت پیروزی‌های فاتحانی که پیش از موسی این مناطق را فتح کرده بودند، به حد کمال رسید و اسلام در تمام این سرزمین‌ها نفوذ یافت. به هر حال سلیمان، تصمیم گرفت به پاس قدردانی از زحمات موسی، او را همراه خود به حج ببرد. این سفر آخرین سفر عمر موسی بود؛ زیرا او در مدینه منوره از دنیا رفت.

کتابنامه

- ابراهیم حسن، حسن (۱۹۵۴). *تاریخ سیاسی اسلام*، قاهره، انتشار الاسلام فی القاره الافریقیه، ج ۲.
- ابن اثیر، عزالدین (بی تا). *تاریخ کامل*، ترجمه عباس خلیلی، تهران، علمی، ج ۷ و ۲، ۳، ۴.
- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۳). *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج ۴.
- ابن عبدالحکم، ابوالقاسم (۱۹۲۰). *فتوح مصر والمغرب*، قاهره، مطبعه الحسین الجدیده، ج ۱.
- ابن عذاری، محمد بن محمد (۱۴۰۰). *البيان المغرب فی اخبار المغرب*، بیروت، دارالثقافه، ج ۱ و ۲.
- ابن فرضی، عبدالله (۱۹۵۴). *تاریخ العلما و الرواه للعلم بالاندلس*، به کوشش سیدعزت عطار حسینی، تونس، دارالغرب الاسلامی، ج ۲.
- ابن قوطیه، ابوبکر بن محمد بن عمر (۱۳۶۹). *تاریخ فتح اندلس*، به تصحیح ابراهیم ابیاری، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابن هذیل، علی بن عبدالرحمان (۱۹۳۶). *تحفه الانفس و شعار سكان الاندلس*، پاریس، مرکز زید التراث و التاريخ، ج ۹.
- احمد الزاوی، الطاهر (۱۹۶۳). *تاریخ الفتح العربی فی لیبیا*، قاهره، الطبعه الرابعه.

۷۵ ► بررسی و واکاوی عملکرد تاریخی موسی بن نصیر در فتح اندلس

- احمد العدوی، ابراهیم (بی تا). *موسی بن نصیر مؤسس المغرب العربی*، قاهره، دارالکاتب العربی للطباعه و النشر.
- ارسلان، شکیب (۱۳۷۰). *تاریخ فتوحات مسلمانان در اروپا*، ترجمه علی دوانی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
- آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۶۳). *اندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بلاذری، ابوالحسن (۱۴۰۴). *فتوح البلدان*، قم، نشر الارمیه.
- الرقیق، ابو اسحاق ابراهیم بن القاسم (۱۹۹۰). *تاریخ افریقیه و المغرب*، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- سالم، عبدالعزیز (۱۹۸۸). *تاریخ المسلمین و آثارهم فی الاندلس*، بیروت، دار النهضه العربیه.
- عنان، محمد عبدالله (۱۳۶۶). *تاریخ دولت اسلامی در اندلس*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، انتشارات کیهان، ج ۱.
- قاضی ساعد (۱۳۷۶). *التعریف بطبقات الامم*، به کوشش غلامرضا جمشید نژاد، ج ۱، تهران، مرکز نشر مکتوب.
- قره چانلو، حسین (۱۳۸۰). *جغرافیای تاریخی کشورهای مسلمان*، تهران، انتشارات سمت.
- قیروانی، ابن الرقیق (۱۹۶۸). *تاریخ افریقیه و المغرب*، بیروت، الغرب الاسلامی.
- مقری، احمد بن محمد (بی تا). *نفخ الطیب*، بیروت، دارالفکر، ج ۱.
- مونس، حسین (۱۳۷۳). *سپیده دم اندلس*، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد،

بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

- _____ (۱۴۱۲). *تاریخ الغرب و حضارته*، بیروت، العصر الحدیث، ج ۱.

- _____ (۱۹۱۱). *معالم تاریخ المغرب و الاندلس*، قاهره، دار و مطابع المستقبل.

- ناصری طاهری، عبدالله، *مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی*، تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه.

- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۷۴). *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی فرهنگی، ج ۲.